

خشونت و تجاوز خانوادگی، دلایل اصلی فرار دختران از خانه

محسن فرشیدی

رئیس [اورژانس اجتماعی](#) سازمان بهزیستی در همایش منطقه‌ای نقش سلامت روانی و اجتماعی دختران گفت: «بر اساس نتایج یک پژوهش ملی، بیشترین آمار دختران فراری در سالهای گذشته مربوط به دخترانی بود که به خاطر خشونت های فیزیکی پدر و مادر از خانه فرار می‌کردند، ولی در حال حاضر اکثریت این قشر به خاطر اینکه در دامن اعتیاد و تعرض جنسی قرار نگیرند از خانه فرار می‌کنند.»

فرزندان فراری اصطلاحی است که بیشتر به دختران زیر هجده سالی گفته می‌شود که بدون اطلاع خانواده به خانه باز نمی‌گردند. بیش از یک دهه است که پدیده دختران فراری در ایران به عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه دولت و دیگر سازمان‌های اجتماعی قرار گرفته است. این فرزندان بدون اطلاع والدین برای روزهای متمادی از حضور در خانه امتناع می‌کنند و والدین نیز از وضعیت آنها اطلاع مشخصی در دست ندارند. آمار دقیقی از تعداد فرزندان فراری در دسترس نیست. بسیاری از آنها خود را به مراکز بهزیستی معرفی نمی‌کنند، با این وجود و بنا بر گفته مدیرکل دفتر امور [آسیب دیدگان اجتماعی](#) در پاییز سال ۸۸۳۱ تعداد ۰۰۵۲ نفر در سال ۷۸۳۱ در بهزیستی پذیرش شده‌اند. مدیرکل [بهزیستی](#) استان تهران در تابستان ۴۹۳۱ از رشد دختران فراری پرده برداشت و اعلام کرد هر سال تا ۵۱ درصد به این تعداد افزوده شده است.

یکی از دلایل اصلی فرار نوجوانان و جوانان در سال‌های گذشته خشونت خانگی عنوان شده است. در پژوهش‌های صورت گرفته خشونت همواره نقش کلیدی در فرار فرزندان از خانه را داشته است. خشونتی که توسط والدین و یا دیگر اعضای خانواده صورت می‌گیرد انواع مختلفی دارد که می‌تواند روحی، روانی، اقتصادی، فیزیکی یا شکل‌های دیگری از آن باشد.

خشونت جسمی که مشکلات روانی متعددی را با خود به همراه می‌آورد، از دلایل اصلی ترک خانه توسط دختران در سال‌های گذشته بوده است. نهادهای مرتبط با سازمان بهزیستی متولی رسیدگی به امور دختران و پسران فراری از خانه هستند.

در صورت بازگشت فرزندان به خانه، آنها یا شخصا به خانه بازگشته‌اند، یا به صورت داوطلبانه به سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای دولتی خودشان را معرفی کرده و یا اینکه بوسیله نیروی انتظامی دستگیر و تحویل قوه قضاییه شده‌اند. اولویت این سازمان و نهادهای وابسته بازگرداندن هر چه سریعتر آنها به خانه است. اما در بسیاری موارد بازگشت فرزندان به خانه بدون اینکه مورد حمایت مستمر نهادهای مددکاری و اجتماعی باشند، در اصل بازگرداندن آنها به چرخه خشونت است.

خانواده در ایران از سوی مراجع مذهبی و حاکمیت نهادی مقدس شمرده می‌شود. معمولاً والدین به دلیل خشونت علیه فرزندان مورد بازخواست‌های قانونی قرار نمی‌گیرند و در بسیاری از خانواده‌ها خشونت به عنوان شکلی از تربیت پذیرفته شده است. نهادهای حمایتی که زیرمجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی هستند در بیشتر مواقع و بدون در نظر گرفتن امکان خشونت مجدد و حتی تشدید آن سعی در بازگشت دختران مورد خشونت قرار گرفته به خانه را دارند. امتداد خشونت می‌تواند به اعتیاد و یا خودکشی برای این فرزندان منجر شود. یکی از دلایل اصلی تشدید این ناهنجاری‌ها فرهنگ مردسالار و پدرسالار در خانواده، اجتماع و نهادهای قانون گذار است. بنابر اعلام رییس اورژانس بهزیستی در سال گذشته، «تعرضی جنسی» یکی از دلایل اصلی فرار دختران از خانه بوده است. (۱) این دختران در روایات خود تاکید می‌کنند که همیشه از عنوان کردن آن با دیگر افراد به دلیل تابوهایی که وجود داشته و اهمه داشته‌اند.

در بسیاری موارد فرار از خانه که با هدف فرار از انواع خشونت‌ها و تعرضات صورت می‌پذیرد برای بسیاری از این فرزندان تنها گزینه پیش رو است.

اکرم که دانشجوی گرافیک در تهران است از تجربیات خود می‌گوید: «شانزده ساله بودم که یکروز از مدرسه تصمیم گرفتم دیگر به خانه برنگردم. از سال‌ها قبل در خانه مورد انواع خشونت قرار می‌گرفتم. به انتخاب‌ها و علایقم توجهی نمی‌شد و توسط پدرم مورد خشونت فیزیکی نیز قرار می‌گرفتم. در مدرسه و از طریق یکی از دوستانم با فردی آشنا شدم که در یک خانه مجردی زندگی می‌کرد، رفتن به آنجا همراه با سواستفاده‌های جنسی نیز همراه بود. بعد از چندروز به خانه برگشتم، روزهای اول پدر و مادرم با من مهربانی می‌کردند و بعد از چند روز دوباره جر و بحث و کتک‌ها شروع شد.

با پایان دبیرستان و شروع دانشگاه این فرصت را داشتم که در خوابگاه زندگی مستقلی را شروع کنم. «اکرم تاکید می‌کند که» دختران فراری در بسیاری مواقع هیچ راه دیگری ندارند. آنقدر مشکلات زیاد می‌شود که دل را به دریا می‌زنی و تصمیم می‌گیری به خانه برنگردی. «برای فرزندان و بعد از مشکلات فراوان در اجتماع، همیشه این ترس وجود دارد که با بازگشت به خانه خشونت‌ها و محدودیت‌ها نیز تشدید شوند. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند در چنین اجتماعی که خانواده نهادی مقدس شمرده و طرح موضوع خشونت یا تجاوز

در آن به عنوان تابو محسوب می‌شود، وجود نهادهای حمایتی و همچنین آموزش به والدین از قدم‌های اول جلوگیری از ایجاد یا تکرار این اتفاقات است.

گفتمان و یا طرح انتقاد از نبود چنین ساز و کارهایی معمولاً به سادگی امکان‌پذیر نمی‌شود و طرح آن‌ها برای پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و فعالین جامعه مدنی تبعات زیادی به همراه خواهد داشت.

فرار دختران از خانه بنا بر گفته مسئولین هر سال بیشتر و میانگین سن آنان کمتر می‌شود، تا جایی که در سه ماهه اول سال جاری این سن به ۴۱ سالگی رسیده است. این دختران به دلیل سن کم، که آسیب‌پذیری آن‌ها را تشدید می‌کند با خطرات بسیاری در اجتماع تهدید می‌شوند. فرزندان که از خانه فرار کرده و عرف و سنت‌های یک جامعه مردسالار به آن‌ها مجال یک زندگی مستقل را نمی‌دهد عموماً در دام گروه‌های قاچاق انسان یا مواد مخدر افتاده، مورد سواستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند و یا با انواع تهدیدهای دیگر مواجه خواهند شد.

بر اساس آمار منتشر شده سازمان بهزیستی به تعداد پسرانی که از خانه فرار می‌کنند نیز افزوده شده است. مسئولین و نهادهای مرتبط در ایران معتقدند آسیب‌پذیری دختران در جامعه نسبت به پسران بیشتر است و همین عامل باعث شده موضوع پسران فراری کمتر مورد توجه قرار گیرد.

این موضوع در حالی است که بنا بر گزارش‌های سال‌های اخیر پسران نیز با انواع خطر سواستفاده‌های جنسی، قاچاق و اعتیاد روبرو هستند.

نقش خانواده و دیگر نهادهای آموزشی، به عنوان عاملین بازدارنده در کاهش خشونت‌ها حیاتی است. شکل فعالیت سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مددکاری در مواجهه با پدیده فرار دختران و پسران در سال‌های گذشته نتوانسته آن را کم یا حتی کنترل کند و معمولاً در این مراکز صورت مسئله طرح، پاک و به ریشه‌یابی آن پرداخته نمی‌شود.

اما واقعیت این است بسیاری از ناهنجاری‌ها و خطرات پیش روی افرادی که از خانه فرار می‌کنند، توسط خانواده و به طور مشخص والدین و با خشونت که در مقابل آن‌ها اعمال می‌کنند زمینه‌سازی می‌شوند. در نظام‌های مردسالار تربیت فرزندان بدون در نظر گرفتن حقوق کودک تمام و کمال به والدین واگذار شده است.

خشونت علیه این کودکان و نوجوانان به عنوان شکلی از تربیت در نظر گرفته می‌شود. هر چند نسل جوان امروز با توجه به پیشرفت ارتباطات و اطلاعات به مانند گذشته در مقابل خشونت منفعل نیست و دیگر شکل‌های مختلف خشونت از جانب خانواده را تاب نمی‌آورد و با حقوق خود آشنایی بیشتری پیدا کرده است، اما تا زمانی که سازمان‌های دولتی به عنوان چتر حمایتی برای آن‌ها قرار نگیرند، اتفاقاتی از جمله فرار از خانه سال به سال گسترش پیدا می‌کند.

مرجان که دانشجوی جامعه‌شناسی است، معتقد است: «قبل از اینکه دختران و پسران فراری از خانه نیاز به بازپروری و مشاوره و آموزش داشته باشند، این والدین هستند که قبل از فرزندآوری باید حقوق کودک را فرا گرفته و با مسئولیت‌پذیری و به عنوان اولین و اصلی‌ترین حامیان کودک در تولید خشونت علیه آن‌ها نقش نداشته باشند.»

سیاست‌های نادرست سال‌های اخیر نه تنها باعث کمتر نشدن فرار دختران و پسران نشده که هر سال به تعداد آنان افزوده است. به دلیل مشکلات پرشمار فرهنگی و اجتماعی دیگر نیز، خشونت علیه دختران و پسران در خانواده با گذر زمان شکل حادثی به خود گرفته است. تا جایی که این موضوع فراتر از خشونت فیزیکی پیش رفته و تعرض و تجاوز جنسی در خانواده دلیل اصلی فرار فرزندان در سال جاری عنوان شده است.